



جنگیدن در دو جبهه

غریب به روایت محمد حسین لطیفی

پلان ۱

از «غربت» تا «غریب»

سال ۱۴۰۰ قرار شد سریال «غربت» براساس فیلمنامه‌ای از حامد عنقا به کارگردانی محمدحسین لطیفی ساخته شود. در نهایت اما تصمیم بر آن شد که نسخه‌ای سینمایی از زندگی شهید محمد بروجردی جلوی دوربین برود.

مرداد ۱۴۰۱ سازمان سینمایی مجوز ساخت فیلم «غریب» به تهیه‌کنندگی سازمان اوج و حامد عنقا را صادر کرد. شهریور ۱۴۰۱ غریب کلید خورد؛ فیلمی که رسانه‌ها از آن به‌عنوان جدی‌ترین محصول امسال سازمان هنری رسانه‌ای اوج نام بردند. حضور بابک حمیدیان در نقش شهید محمد بروجردی خبرساز شد و مه‌ران احمدی، پردیس پورعابدینی، رحیم نوروزی، فرهاد قائمیان، جعفر دهقان، هژیرسام احمدی، حسام محمودی و سامیه لک ترکیب بازیگران فیلم را کامل کردند. فیلمنامه غریب براساس منابع مستند و پژوهشی مختلف همچون کتاب «محمد؛ مسیح کردستان» اثر نصرالله محمودزاده و دیگر اسناد تازه‌یافته، نوشته شد. محمودزاده همچنین به‌عنوان مشاور محتوایی با این پروژه همکاری کرد. فیلمبرداری غریب از اوایل شهریورماه شروع شد و در ادامه این پروژه به یکی از دشوارترین فیلم‌های سال در مرحله تولید تبدیل شد؛ ماراتنی که لطیفی و گروهش در نهایت آن را به پایان رساندند و فیلم به جشنواره رسید.



پلان ۲

«غریب» در جشنواره

«غریب» یکی از فیلم‌های شاخص جشنواره چهل و یکم فجر بود. بازگشت محمدحسین لطیفی به جشنواره به نوعی یادآور حضور او با فیلم «روز سوم» در بیست‌ونهمین دوره فیلم فجر هم بود. روز سوم فیلم برگزیده فجر بیست‌ونهم شد و غریب هم در فجر چهل‌ویکم درخشید. سیمرخ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی، جایزه ویژه هیأت داوران در بخش مقاومت بین‌الملل، بهترین طراحی صحنه، بهترین جلوه‌های ویژه میدانی، بهترین چهره پردازی، بهترین بازیگر نقش اول زن و دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جوایزی بودند که فیلم غریب در جشنواره دریافت کرد. «غریب» در هفدهمین جشنواره فیلم مقاومت نیز به‌عنوان بهترین فیلم شناخته شد و همچنین عبدالله عبدی‌نسب جایزه بهترین فیلمبرداری و شهرام خلیج جایزه بهترین طراحی گریم را به‌دست آوردند و در بخش دفاع‌مقدس جایزه بهترین کارگردانی فیلم بلند به محمدحسین لطیفی برای این فیلم تعلق گرفت.



پلان ۳

از حمیدیان تا قائمیان

یکی از ویژگی‌های جالب توجه فیلم «غریب» حضور چشمگیر بازیگران است. بابک حمیدیان در نقش شهید محمد بروجردی به‌خوبی توانسته به یکی از اسطوره‌های دفاع‌مقدس جلوه باورپذیر ببخشد. حمیدیان می‌توانست گزینه جدی دریافت سیمرخ بلورین بهترین بازیگر مرد هم باشد ولی داوران جشنواره او را حتی نامزد دریافت جایزه هم نکردند؛ نکته‌ای که اعتراض لطیفی را هم به همراه داشت. پردیس پورعابدینی برنده سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن شد. مه‌ران احمدی نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد و فرهاد قائمیان که بازی‌اش در نقش یک ارتشی وطن‌پرست از امتیازات فیلم غریب است، به واسطه این حضور دیگر افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد.



گفت‌وگو هلیا نصیری روزنامه‌نگار

محمدحسین لطیفی در این سال‌ها در تلویزیون و سینما و شبکه نمایش خانگی فعالیت مستمر داشته و ژانرهای مختلفی

۱ طلسمی که شکسته شد

بعد از تولید فیلم «روز سوم» طلسم زمانی شکسته شد که آقای حامد عنقا سفارش این کار را به من داد. پیش از آن من چندبار دورخیز کردم و می‌خواستم چند کار خاص و متفاوت در این حوزه بسازم، اما نشده بود. این بار الحمدلله کار به سرانجام رسید. یکی از دلایلی هم رابطه خاصی است که بین من و حامد وجود دارد؛ اعتماد مطلق بین ما وجود دارد. بعد از توافقمان فیلمنامه جلورفت و تکمیل شد. حتی اگر حامد عنقای عزیز شهید دیگری را به من معرفی می‌کرد، مطمئن باشید نمی‌پذیرفتم و اساساً حاضر نبودم به سمت تاریخ معاصر و فیلم بيوگرافی حرکت کنم، اما درباره شهید بروجردی به‌خاطر شناخت قبلی که نسبت به ایشان داشتم، خیلی راغب بودم. به قول امروزی‌ها، ایشان را می‌توان پدر شهدا به‌حساب آورد و اکثر شهدا و فرماندهانی که درباره‌شان صحبت می‌کنیم، دست‌پورده ایشان هستند. در وهله دوم غربت این شهید برایم حائز اهمیت بود. روحیه‌ای که از وی سراغ داشتیم نیز برایم مهم بود. شهید بروجردی را خیلی می‌فهمم و او را درک می‌کنم. هم‌طور غربت او را که اسم فیلم هم وامدار همین بخش از زندگی‌اش است.

۲ ما اهل صلح هستیم، اما دشمن همیشه با ما کار دارد

بارها به مسئولان گفته‌ام زهی خیال باطل اگر فکر کنیم که در منطقه ما با این شرایطی که وجود دارد، جنگی اتفاق نیفتد. ما اهل صلح هستیم، اما دشمن همیشه با ما کار دارد؛ ضمن آنکه شرایط امروز هم بی‌شباهت به جنگ نیست؛ پس با ساختن فیلم‌های خوب و الگو دادن، می‌توانیم جامعه را واکنش‌کنیم. من نزدیک به ۲سال با مردم کردستان زندگی کردم و وقتی نظرشان را درباره شهید بروجردی جویا می‌شدم، می‌گفتند: «او که حسابش جداست.» یک آدم اینچنینی که خاطره خوب در میان مردم بجا گذاشته است، انگیزه برای امرای ساخت یک کار خوب دوچندان کرد.

۳ از ابتدا به بابک حمیدیان فکر می‌کردیم

از شروع تولید فیلم وقتی با آقای عنقا صحبت می‌کردیم به بابک حمیدیان فکر می‌کردیم و گزینه دیگری را متصور نبودیم. او یکی از بازیگران بسیار تواناست؛ ضمن اینکه به دلیل شباهتی که داشت دلیل دیگر ما بود و سوم اینکه بابک حمیدیان انگیزه شخصی هم داشت؛ او همه عمر دوست داشت اتفاقی بیفتد و نقش شهید بروجردی را بازی کند؛ چون بسیار خوب شهید بروجردی را می‌شناخت. گاهی به شوخی به او می‌گفتم تو اصغر وصالی فیلم «ج» نیستی و قرار است نقش متفاوتی داشته باشی و البته او خودش هم این را می‌دانست.

۴ حمیدیان، شهید بروجردی را عاشقانه دوست دارد

در جشنواره چهل‌ویکم فمشار و حاشیه زیادی روی همه بازیگران بود؛ برای بابک حمیدیان هم همین‌گونه بود. برای اینکه بازیگران در جشنواره نباشند، می‌دانم خیلی اذیت‌شان کردند، اما صادقانه بگویم که بابک حمیدیان، شهید بروجردی را عاشقانه دوست دارد و می‌داند با علاقه شخصی این نقش را بازی کرده است. آنهایی که به بازی او نقد دارند، پیشنهاد می‌کنم یک دوره کلاس بازیگری بروند تا یاد بگیرند بازی حمیدیان را نقد کنند. به جرأت می‌توانم بگویم ۱۰۰ درصد او ۹۰درصد اکت و بازی خوبی داشت. شک نکنید.

۵ برای من طنز کار کردن ساده‌تر است

کمدی ساختن برای من ساده‌تر است. شما به کارهای جدی من نگاه کنید. حتی در صاحب‌دلان هم که قصه جدی‌ای داشت، آدم‌هایی بودند که لحظاتی، فضا را شاد می‌کردند. حتی در

گفت‌وگو هلیا نصیری روزنامه‌نگار

را تجربه کرده‌است. این کارگردان سال گذشته، «غریب» را به جشنواره فیلم فجر آورد؛ این فیلم دومین تجربه‌اش در سینمای دفاع‌مقدس است. نخستین فیلم لطیفی «روز سوم» بود که سال ۱۳۸۵ سیمرخ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فجر را از داوران گرفت. اولین‌بار گریم بابک حمیدیان برای بازی در نقش شهید بروجردی منتشر شد؛ بازبگری که پیش‌تر نقش اصغر



وفا هم یکسری شخصیت‌ها بودند که با روحیه شادی داشتند کار را به واقعیت و ملموس بودن نزدیک کردند. می‌خواهم با ایجاد فضای شاد، خستگی از مخاطب بیرون برود. از این جهت برای من طنز کار کردن ساده‌تر است. ولی وقتی کار سخت انجام می‌دهم، این باعث می‌شود سلول‌های خاکستری بیشتری بسوزانم.

۶ وابسته به هیچ جناحی نیستم

وابسته به هیچ جناحی نیستم. معتقدم انسان‌هایی در جامعه ما و اصلاً در همه جای دنیا وجود دارند که زیر بیرق خاصی قرار می‌گیرند؛ حالا یا راست یا چپ و نکته‌ای که این وسط وجود دارد، این است که همه آنها منافع خود را دنبال کرده و مردم را دچار توهم می‌کنند. همان‌طور که گفتم این فقط مربوط به کشور ما نیست. در ایتالیا، آمریکا و... سیاستمدارها روی موج مردم سوار می‌شوند.

۷ از کارگردانی خسته‌ام

برای من دعا کنید که دیگر در مقام کارگردان کار نکنم؛ چون مسئولیت بسیار سنگینی است و خیلی بدمن نمی‌کشد که بخواهم این مسئولیت را گردن بگیرم، شاید یک روزی نویسندگی و تهیه‌کنندگی و مشاور کارگردانی را انجام دادم، ولی کارگردانی دیگر نه.

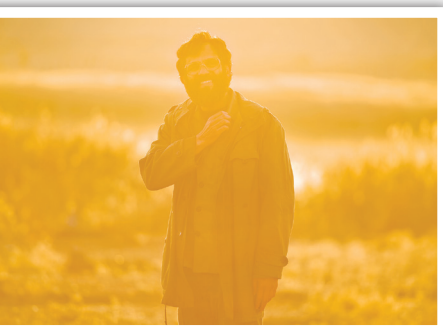
۸ خیلی‌ها تلاش کردند که این کار ساخته نشود

وقتی وارد ساخت اثری درباره شهدا می‌شویم، تازه آنجاست که درمی‌یابیم چرا همه موقع ساخت این اثرها در می‌روند. در واقع شما باید در ۲جبهه بجنگید، هم با عزیزی که آن طرف هستند و می‌گویند باید این کارها ساخته شود و ما از ساخت آن حمایت می‌کنیم و وقتی وارد ساخت می‌شویم تنها اتفاقی که رخ نمی‌دهد، حمایت است؛ البته عزیزی هم بودند که در این مسیر از ما حمایت کردند، ولی موقع ساخت این پروژه‌ها

گذر از گذرگاهی حساس

دشوارترین فیلم کارنامه محمدحسین لطیفی؛ این شاید موزج‌ترین توصیف درباره فیلم سینمایی «غریب» باشد. لطیفی به‌عنوان یکی از پرکارترین و حرفه‌ای‌ترین فیلمسازان ۵۳هه‌اخر سینما و تلویزیون، تقریباً در هر ژانری فیلم و سریال ساخته است. کارگردانی که به سرعت عمل و حرفه‌ای بودن شهره است. در فیلم «غریب» از همه تجربیاتش بهره گرفت تا از گذرگاهی حساس به سلامت عبور کند. فیلم زندگینامه شهید محمد بروجردی که لطیفی برشی از یک مقطع مهم زندگی و زمانه «مسیح کردستان» را انتخاب کرده و ضمن روایت دوره‌ای حساس از تاریخ معاصر، قصه حال را نیز تعریف می‌کند. تصویر دقیق و باورپذیر از اسطوره‌ای که تجسم بخشیدنش در قاب دوربین نیاز به تسلط و مهارت حرفه‌ای داشته و حالا که فیلم غریب روی پرده سینماهاست می‌توان گفت که این اثر سینمایی، نسل جوان را به خوبی با مسیح کردستان آشنا می‌کند؛ فیلمی که در مرحله اکران قدری غریب واقع شد و چنان که باید مورد حمایت و توجه قرار نگرفت. در سینمایی که گیشه‌اش سال‌هاست در تسخیر فیلم‌های کمدی قرار دارد، فیلمی چون غریب نیازمند حمایت گسترده‌تری است.

فرماندهی شهیدمحمد بروجردی در منطقه غرب، پیش از آغاز جنگ تحمیلی و دفاع مقدس می‌پردازد. فیلم، شمایی از احوالات باطنی، سبک زندگی و شیوه فرماندهی شهیدبروجردی با نگاهی به دوره‌ای کوتاه از زندگی و تلاش او برای ایجاد اتحاد در غرب کشور است. بخش‌هایی از گفته‌های این کارگردان درباره پروسه تولید غریب را می‌خوانیم.



سینما یعنی جزئیات مهم‌ترین مسئله‌ای که باعث می‌شود کار از دستم در نرود و روی جزئیات دقت داشته باشم این است که واقعا کار را مونتاژی می‌بینم و می‌دانم که الان چه چیزی را می‌گیرم و قرار است چه اتفاقی برای آن در کار بیفتد. گاهی اولش را دارم می‌گیرم ولی از جای دیگر شروع می‌شود. دوم اینکه سلفاچه دیرینه من در طراحی صحنه کمک می‌کند تا بدانم از گوشه گوشه لوکیشن‌ام چگونه باید سود ببرم. این مسئله در فیلم «غریب» بسیار کمک بود.

۱۲ سینما یعنی جزئیات

مهم‌ترین مسئله‌ای که باعث می‌شود کار از دستم در نرود و روی جزئیات دقت داشته باشم این است که واقعا کار را مونتاژی می‌بینم و می‌دانم که الان چه چیزی را می‌گیرم و قرار است چه اتفاقی برای آن در کار بیفتد. گاهی اولش را دارم می‌گیرم ولی از جای دیگر شروع می‌شود. دوم اینکه سلفاچه دیرینه من در طراحی صحنه کمک می‌کند تا بدانم از گوشه گوشه لوکیشن‌ام چگونه باید سود ببرم. این مسئله در فیلم «غریب» بسیار کمک بود.

۱۳ از حضور در جشنواره پشیمان نیستم

ملزم نبودیم که فیلم را به جشنواره بدهیم تا اینکه ۵شب قبل از جشنواره ۲ نفر خودشان را ملزم کردند حالا که اینگونه شد باید کار به جشنواره برسد. قاعدتاً حضور در جشنواره پشیمان نیستم ولی خوب می‌دانم که اگر زمان کافی برای تدوین، موسیقی و... داشتم حتماً ماجرا متفاوت بود. باور کنید من زمان کمی در اختیار داشتم و بجهه فشار کار می‌کردند و این می‌توانست یک مقدراری روی کیفیت کار مؤثر باشد.

۱۴ داور، کار من نیست

بارها گفتند محمدحسین لطیفی، چرا تو داور نمی‌شوی؟ می‌گویم نمی‌خواهم! یک‌بار عضو هیأت انتخاب بودم پس است. داور می‌کنم؛ چون باید پاسخگو باشم و قرار نیست مثل یک میهمانی همه‌چیز را بین یکدیگر تقسیم کنیم و بروم چون این اتفاق یک ماجرای کاملاً تخصصی است و حتی اگر سلیقه‌ای هم در میان باشد باید با تخصص اتفاق بیفتد.

۱۵ اگر بترسم نمی‌توانم جلو بروم

زمان سریال وفا دوستی از من پرسید، شما نترسیدید بعد از موفقیت سریال «وفا» سراغ موقعیت متفاوتی رفتید؟ آن زمان گفتم اگر سینما را یک قمارخانه فرض کنید من با ۵هزار تومان وارد شدم، امشب و الان ۵۰ میلیون تومان بردم و صبح ممکن است با همان ۵ تومان بیرون بروم. اگر بترسم نمی‌توانم جلو بروم و این ترس را اول کنار می‌گذارم و پیش می‌روم...

۱۶ با عشق سراغ این پروژه آمدم

من با عشق سراغ این پروژه آمدم. همه عوامل هم منظور. عشق به معنای این نیست که بقیه عاشق نبودند، بلکه باید گفت برای حضور در این پروژه انگار هیچ انگیزه غیری وجود نداشت. شاید باز هم شاید این نگاه در دوستان دیگر نبوده است. من سر فیلم «روز سوم» هم این حرف را گفته بودم که حضور شهدا را سر صحنه احساس می‌کردم. الان هم واقعا همین را می‌گویم که اگر این اتفاق سرانجام رخ داد و عملی شد، چیزی جدای از پروسه فیلم و فیلمسازی بود که بر پایه اشراق و اعتماد و توکل به خدا ادامه می‌دادم؛ حتی اگر دیگران می‌گفتند غلط است.